

- ۱- چند مورد از پدیده هایی که نشانی از هویت اجتماعی دارند را نام ببرید و بنویسید وجه اشتراک آن ها چیست؟ ج: پدیده هایی مثل شناسنامه، پرچم، جنگ، احزاب و گروه های سیاسی، قوای سه گانه، قانون اساسی و ... وجه اشتراک آنها این است که علاوه بر هویت فرهنگی از هویت سیاسی نیز برخوردارند. ص ۱۱۶
- ۲- قدرت به چه معناست؟ ج: موجودی که بتواند کاری را با آگاهی و اراده خود انجام دهد، دارای قدرت است. ص ۱۱۷
- ۳- منظور از کنشگری قدرتمند چیست؟ ج: انسان به دلیل اینکه کارهای خود را با آگاهی و اراده انجام می دهد، کنشگری قدرتمند است. ص ۱۱۷
- ۴- انواع قدرت را بیان کنید: ج: ۱- قدرت فردی ۲- قدرت اجتماعی ص ۱۱۷
- ۵- مشکل قدرت فردی چیست؟ ج: قدرت فردی انسان محدود است. یک فرد نمی تواند همه نیازهای خود را به تنهایی برآورده سازد و برای تأمین برخی از نیازهای خود، به کمک دیگران احتیاج دارد. ص ۱۱۷
- ۶- قدرت اجتماعی چه زمانی پدیدار می شود؟ ج: هنگامی که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران تاثیر بگذارد و اراده و کار ارادی آنان را به خدمت بگیرد. ص ۱۱۷
- ۷- چه کسانی از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردارند؟ ج: کسانی که توان تاثیر گذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند. ص ۱۱۷
- ۸- چه کسانی از قدرت اجتماعی برخوردارند؟ ج: افراد، نهادها، سازمان ها و جوامع ص ۱۱۷
- ۹- آیا قدرت اجتماعی بدون پذیرش و توافق دیگران پدید می آید؟ ج: خیر، قدرت اجتماعی بدون پذیرش و توافق دیگران پدید نمی آید یعنی دیگران باید بپذیرند که مطابق آنچه از آنها می خواهیم، عمل کنند. ص ۱۱۸
- ۱۰- تنها راه تأثیر گذاردن بر اراده دیگران و به خدمت گرفتن فعالیت ارادی آنها چیست؟ ج: جلب تبعیت (پیروی کردن) آنهاست. ص ۱۱۸
- ۱۱- منظور از جلب تبعیت چیست؟ ج: یعنی دیگران باید بپذیرند که مطابق آنچه از آنها می خواهیم، عمل کنند. ص ۱۱۸
- ۱۲- تبعیت اراده یک انسان از انسان دیگر به چند شکل صورت می گیرد؟ ج: ۱- تبعیت با کراهت ۲- تبعیت با رضایت ص ۱۱۸
- ۱۳- منظور از تبعیت با کراهت چیست؟ ج: تبعیتی است که ناشی از تهدید و ترس باشد. ص ۱۱۸
- ۱۴- منظور از تبعیت با رضایت چیست؟ ج: وقتی است که شخصی با میل درونی، مطابق اراده دیگری عمل کند. ص ۱۱۸
- ۱۵- چه قدرتی دارای مقبولیت است؟ ج: قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می آید. ص ۱۱۸
- ۱۶- منظور از اقتدار چیست؟ ج: قدرتی که با مقبولیت همراه باشد و به صورت رسمی پذیرفته شده باشد، اقتدار نامیده می شود. ص ۱۱۸
- ۱۷- مشروعیت قدرت به چه معناست؟ ج: به این معناست که قدرت بر اساس یک نظام عقیدتی و ارزشی خاص اعمال شود. ص ۱۱۹
- ۱۸- مدار مقبولیت چیست؟ ج: خواست و اراده کسانی است که قدرت بر آنها اعمال می شود. ص ۱۱۹
- ۱۹- قدرت چه زمانی مقبول است و چه زمانی مقبولیت ندارد؟ ج: اگر کسی که قدرت بر آن اعمال می شود، از آنچه انجام می دهد احساس رضایت داشته باشد این قدرت مقبول است و اگر فعالیتش را با اکراه و تنها برای فرار از پیامدهای ناگواری که از طرف صاحب قدرت پدید می آید انجام دهد، قدرت مقبولیت ندارد. ص ۱۱۹
- ۱۹- مدار مشروعیت چیست؟ ج: حق و باطل بودن است. ص ۱۱۹
- ۲۰- انواع مشروعیت را نام ببرید. ج: ۱- مشروعیت حقیقی ۲- مشروعیت دروغین ص ۱۱۹
- ۲۱- مشروعیت حقیقی را تعریف کنید. ج: اگر قدرت موافق حکم و قانون و اراده تشریحی خداوند اعمال شود، مشروعیت حقیقی دارد. ص ۱۱۹
- ۲۲- مشروعیت دروغین را تعریف کنید. ج: اگر قدرت مبتنی بر ایدئولوژی های ساختگی بشری باشد، مشروعیت دروغین دارد. ص ۱۱۹
- ۲۳- رابطه مقبولیت و مشروعیت حقیقی چگونه هست؟ ج: مقبولیت و مشروعیت حقیقی می توانند باهم باشند و یا می توانند از یکدیگر جدا باشند. ص ۱۱۹
- ۲۴- در چه صورتی قدرت هم مشروعیت حقیقی و هم مقبولیت دارد؟ ج: جایی که قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد و تبعیت از قانون نیز با رضایت و میل همراه باشد. ص ۱۱۹
- ۲۵- در چه صورتی اقتداری غیر مشروع شکل می گیرد؟ ج: هنگامی که قدرت بر خلاف حکم و قانون الهی باشد، و تبعیت از قدرت از روی احساس رضایت باشد. ص ۱۱۹
- ۲۶- سیاست چگونه پدید می آید؟ ج: هرگاه قدرت برای رسیدن به هدفی معین سازمان پیدا کند. ص ۱۱۹
- ۲۷- سیاست را تعریف کنید. ج: اعمال قدرت سازمان یافته برای دستیابی به هدفی معین است. ص ۱۱۹
- ۲۸- سیاست در معنای عام را تعریف کنید. ج: هر نوع تدبیر و سازمان دادن قدرت. ص ۱۱۹

۲۹- چه رابطه ای بین جهان اجتماعی و سیاست وجود دارد؟ ج: هر جهان اجتماعی به تناسب هویت و فرهنگ خود، آرمان ها و ارزش های ویژه ای دارد و نمی تواند بدون سیاستی مناسب به ارزش ها و آرمان های خود دست یابد. ص ۱۱۹

۳۰- نظام سیاسی را تعریف کنید. ج: مجموعه ساز و کارهایی که برای اعمال سیاست های جهان اجتماعی وجود دارد، نظام سیاسی را شکل می دهد. ص ۱۱۹

۳۱- چه رابطه ای بین نظام سیاسی و سایر نظام های فرهنگی، اقتصادی و ... وجود دارد؟ ج: در یک جهان اجتماعی، نظام سیاسی نمی تواند مستقل از نظام های دیگر مانند نظام فرهنگی، اقتصادی و ... باشد؛ بلکه در تعامل با آنها قرار می گیرد. ص ۱۲۰

۳۲- چه رابطه ای بین نظام سیاسی و نظام فرهنگی وجود دارد؟ ج: نظام سیاسی بر نظام های دیگر، به ویژه نظام فرهنگی اثر می گذارد و از آن ها تأثیر می پذیرد. به این صورت که نظام فرهنگی عقاید، ارزش ها و اصول حاکم بر نظام سیاسی را تأمین می کند و اگر عملکرد نظام سیاسی در جهت عقاید و ارزش های فرهنگی جامعه باشد، نظام فرهنگی، مقبولیت دارد؛ اما اگر نظام سیاسی به دلایل داخلی و یا تحت تأثیر و فشار عوامل خارجی، از اصول و ارزش های فرهنگی خود عدول کند، نظام فرهنگی مقبولیت نظام سیاسی را کاهش می دهد. ص ۱۲۰

۳۳- نظام سیاسی چگونه می تواند باعث بسط و توسعه فرهنگ یا زمینه ساز بحران فرهنگی شود؟ ج: نظام سیاسی اگر به ارزش های فرهنگی جامعه وفادار بماند، با استفاده از مدیریت سیاسی خود، به بسط و توسعه ی فرهنگ کمک می کند و اگر از ارزش ها و آرمان های جامعه دور شود زمینه بحران های فرهنگی و هویتی را فراهم می سازد. ص ۱۲۰

۳۴- به طور کلی نظام های سیاسی را براساس چه ملاک هایی به انواع گوناگون دسته بندی می کنند؟

ج: به سه دسته: (۱) بر اساس کمیت افراد تأثیرگذار (تعداد حاکمان) (۲) بر اساس روش تصمیم گیری (روش حکومت) (۳) براساس دین مداری یا دنیا مداری. ص ۱۲۱

۳۵- نظام های سیاسی را بر اساس تعداد افراد تأثیرگذار و تصمیم گیرنده (تعداد حاکمان) به چه چند نوع می توان دسته بندی کرد؟ ج: ص ۱۲۱

الف) نظام ها و حکومت هایی که در آن تنها اراده یک فرد تأثیر گذار است.

ب) نظام هایی که تنها یک اقلیتی از مردم در آن تأثیر گذارند.

ج) حکومت هایی که اکثریت مردم در سرنوشت سیاسی خود تأثیر گذارند.

۳۶- نظام های سیاسی را بر اساس روش تصمیم گیری (روش حکومت) به چند نوع می توان دسته بندی کرد؟ ج: به دو دسته تقسیم می شوند:

(۱) نظام هایی که در آن ها حاکم یا حاکمان بر اساس اهداف و اغراض و امیال خود تصمیم می گیرند. یعنی هر تصمیمی را جایز می دانند.

(۲) نظام هایی که در آن حاکم یا حاکمان بر اساس حقیقت و فضیلت و با توجه به موازین عقلی تصمیم می گیرند. ص ۱۲۱

۳۷- نظام های سیاسی را بر اساس دین مداری یا دنیامداری به چند نوع می توان دسته بندی کرد؟ ج: به دو دسته تقسیم می شوند:

(۱) نظام های سیاسی که بر مدار احکام و قوانین الهی سازمان می یابند.

(۲) نظام های سیاسی سکولار و دنیوی، فقط ارزش ها و آرمان های دنیوی و این جهانی را مد نظر قرار می دهد. ص ۱۲۱

۳۸- ارسطو برای دسته بندی نظام های سیاسی از چه ملاک هایی استفاده می کند و از چند نوع نظام سیاسی نام می برد؟ ج: ارسطو از ملاک اول (بر اساس تعداد افراد تأثیرگذار (تعداد حاکمان) و ملاک دوم (بر اساس روش تصمیم گیری (روش حکومت)) استفاده می کند و از شش نوع نظام سیاسی نام می برد. طبق جدول زیر ص ۱۲۱

۱- دسته بندی ارسطو از انواع حکومت ها:

تعداد حاکمان	روش حکومت	براساس حقیقت و فضیلت	براساس خواست و میل حاکم
فرد		مونارشی	استبدادی
اقلیت		آریستوکراسی	الیگارشی
اکثریت		جمهوری	دموکراسی

۳۹- از نظر ارسطو نظام هایی که بر اساس حقیقت و فضیلت تصمیم گیری می کنند کدامند؟ ج: مونارشی - آریستوکراسی - جمهوری ص ۱۲۱

۴۰- از نظر ارسطو نظام هایی که بر اساس خواست و میل حاکم تصمیم گیری می کنند کدامند؟ ج: استبدادی - الیگارشی - دموکراسی ص ۱۲۱

- ۴۱- حکومت دموکراسی را از نظر ارسطو تعریف کنید. ج: ارسطو، حاکمیت اکثریت را در صورتی که بر مدار خواسته های آن ها باشد، دموکراسی می نامد؛ زیر دموکراسی به معنای حاکمیت مردم است و در این نوع حاکمیت، مردم بر اساس خواسته ها و تمایلات خود حکومت می کنند. ص ۱۲۱
- ۴۲- حکومت جمهوری (پولیتی) را از نظر ارسطو تعریف کنید. ج: ارسطو، حکومتی را که در آن اکثریت مردم بر اساس حقیقت و فضیلت حضور و فعالیت دارند، جمهوری می خواند. ص ۱۲۱
- ۴۳- جمهوری و دموکراسی از نظر ارسطو چه تفاوتی دارند؟ ج: جمهوری یعنی حاکمیت اکثریت مردم بر اساس حقیقت و فضیلت و دموکراسی یعنی حاکمیت اکثریت مردم بر اساس خواست و اراده افراد می باشد. ص ۱۲۱
- ۴۴- منظور فارابی از مدینه فاضله و جاهله چیست؟ ج: مدینه فاضله جامعه ای است که بر اساس سنت و قوانین الهی شکل می گیرد از نظر او حقیقت با اراده الهی تعیین می شود و با کمک عقل و وحی شناخته می شود و جوامعی را که آرمان ها و ارزش هایشان الهی و عقلانی نباشد جوامع جاهله می نامد. ص ۱۲۱ و ۱۲۲
- ۴۵- لیبرالیسم به چه معناست؟ ج: به معنای اباحت و مباح دانستن همه امور برای انسان هاست. ص ۱۲۲
- ۴۶- دموکراسی را تعریف کنید. ج: به معنای حاکمیت مردم. ص ۱۲۲
- ۴۷- لیبرال دموکراسی را تعریف کنید. نوعی نظام سیاسی که ادعا می کند با خواست و اراده اکثریت مردم سازمان می یابد، هیچ حقیقت و فضیلت فطری را به رسمیت نمی شناسد. و حکومتی دنیوی و این جهانی است. ص ۱۲۲
- ۴۸- لیبرال دموکراسی با کدام فرهنگ سازگار است؟ ج: لیبرال دموکراسی با فرهنگ جدید غرب که رویکردی دنیوی به عالم هستی دارد، سازگار است. ص ۱۲۲
- ۵۴- در جهان اجتماعی اسلام چه نوع نظام سیاسی مورد توجه قرار گرفته است؟ ج: جمهوری اسلامی یا مردم سالاری دینی ص ۱۲۲
- ۵۵- عنوان «جمهوری» و کلمه ی «اسلامی» در ترکیب جمهوری اسلامی نشان دهنده ی چیست؟ ج: عنوان «جمهوری» در این ترکیب به معنای به رسمیت شناختن حضور موثر مردم در نظام سیاسی است و کلمه «اسلامی» نشان دهنده این است که فعالیت های این نظام بر اساس عقاید و ارزش های اسلامی سازمان پیدا می کنند. ص ۱۲۲
- ۵۶- در نظام اسلامی، قوانین و مقررات چگونه شکل می گیرند؟ ج: با خواست مردم و ذیل اراده و مشیت خداوند. ص ۱۲۳
- ۵۷- در نظام اسلامی اهمیت ارزش ها در چیست؟ ج: در این دیدگاه، عقل و وحی دو وسیله شناخت ارزش های الهی و احکام و مقررات اجتماعی هستند. انسان ها مسئولیت شناخت و اجرای آن ها را به عهده دارند. ص ۱۲۳
- ۵۸- چند نمونه از ارزش های اجتماعی اسلامی را نام ببرید؟ ج: عبودیت، عدالت، استقلال، آزادی، نفی وابستگی و نفی تسلط بیگانگان بر امت اسلامی، امنیت، تامین اجتماعی، عمران و آبادانی، مشورت و مشارکت در امور عمومی و ارتقای معرفت و آگاهی. ص ۱۲۳
- ۵۹- در آموزه های اسلامی چه اموری ارزش بیشتری می یابند؟ ج: عبادات هنگامی که بعد اجتماعی وسیع تری پیدا می کنند. ص ۱۲۳
- ۶۰- در برخی روایات اسلامی مهم ترین مسئولیت در جامعه چیست؟ ج: مسئولیت متقابل امت و امام ص ۱۲۳
- ۶۱- مسئولیت امت اسلامی در قبال طاغوت و ولایت الهی چیست؟ ج: امت اسلامی باید از پذیرش طاغوت و قدرت های غیرالهی خوداری کند و در شکل گیری امامت و ولایت الهی بر اساس موازین و ارزش های اسلامی هوشمند و فعال باشد. ص ۱۲۳